

یادبود

رود

بین رفتن و نرفتن ایستاده است.

ماه

تن به رود داده است.

رود

خسته و گسسته می‌رود به پیش.

ماه می‌رود ز خویش.

ماه

روی قطره‌قطره‌ی وجود رود

با نگاه خود نوشته یادبود.

رود

خسته و گسسته مثل آهوان پیر

می‌رسد به سینه‌ی کویر.

می‌مکد زمین تشنه رود را

پاک می‌کند تمام یادبود را.